

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان/سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۴/صفحات ۱۵۰-۱۳۷

چالش‌های گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای دگرگشت‌های نوپدید در

سامانه‌ی ژئوپلیتیک جهانی

افشین متقی^۱، مصیب قره‌بیگی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۵

چکیده

ایران در سیاست‌های خارجی خود و در برهه‌ای خاص، با بازتولید رسوبات پیشین و مُرده‌ریگ‌های تلخ گذشته، به ناسازواری و تقابل با کانون‌های قدرت دست زده است. از حقیقت بیشینه‌ی این میراث‌های تلخ نمی‌توان به آسانی عبور کرد و انصاف در آن است که به چنین واقعیت‌های تاریخی انگشت تائید گذاشته شود. با این حال، پشت‌گرمی بیش از حد بر این رسوبات پیشین که بی‌اعتمادی را نهادینه می‌کند، رویکردی نیست که بتواند در همه‌ی برهه‌ها، منافع ملی یک کشور را در عرصه‌ی شبکه‌ای و پیچیده‌ی ژئوپلیتیک برآورده کند. از دیگر سوی، گفتمانی که سبب کم‌رنگ شدن یا نهان شدن ارزش‌ها و ایده‌های انقلاب اسلامی شود، نیز نمی‌تواند پذیرفته شود. تجربه‌ی زیسته و تاریخی ایران نشان داده است که این کشور می‌تواند با بازساخت ژرف موقعیت و مختصات ژئوپلیتیکی خود، یک قدرت کلان در سطح منطقه باشد و از چالش‌ها و انزوای ژئوپلیتیکی که پی‌رفت آن، هدررفت منابع اجتماعی-انسانی است، مصون بماند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی گفتمان‌های موجود در سیاست خارجی ایران پرداخته است و می‌کوشد تا این فرضیه را به اثبات رساند که گفتمان میانه در سیاست خارجی، یکی از رهیافت‌های سودآور است و وزن ژئوپلیتیک ایران را در سطح منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بهبود می‌بخشد.

واژگان کلیدی: گفتمان سیاست خارجی ایران، چالش ژئوپلیتیکی، انزوای ژئوپلیتیکی.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران Email: Afshin_mottaghi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران Email: biberunt@gmail.com

مقدمه

با وجود افزایش سیاست‌های اقتصادی بوم‌گرایانه در سپهر منافع ملی ۱ کشورها، هنوز بایستگی ۲ سخت-افزاری قدرت برای تعامل ۳ پیوسته و پویا در روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها، ارتباط و پیوند با ساختار جهانی را ناگزیر و ناگزیر می‌سازد. در کنار این امر، مرده‌ریگ‌های برجای مانده از نظام‌های پیشین بین-المللی و رنگ و بوی ایدئولوژیک و سلطه‌جویانه‌ی آنها، سبب شده است تا نوعی سیاست تنش‌زا ۴ و تعارضی ۵ نیز مشاهده شود؛ گویا بازماندن رسوب‌هایی از رخداد‌های گذشته در ذهن و روان شماری از بازیگران سیاسی، به ویژه در بخش‌های توسعه و امنیت پایدار همواره نوعی عدم قطعیت، تردید و گریز از تحقق نهایی تعامل‌گرایی در جهان را در پی داشته است (Walker, 2013: 4). پشت‌گرمی فزون از حد بر این رسوبات پیشین که بی‌اعتمادی و ذهنیت مقابله به مثل را تقویت می‌کند، راهکاری نیست که بتواند منافع ملی یک کشور را در عرصه‌ی شبکه‌ای و پیچیده‌ی سیاست جهانی برآورده کند. حتی قدرت‌های کلان امروز نیز با همه‌ی زیرساخت‌های کافی خود نمی‌توانند همواره با سیاست‌های تنشی و تعارضی به پیش روند. و آن‌گهی در کشورهای جهان سوم که فقدان زیرساخت‌ها در آن آشکارا به چشم می‌خورد، در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی کاهش روابط سیستمی با سایر عناصر سیستمی در جهان و چالش ژئوپلیتیکی ۶ و در مرحله‌ی پیشرفته‌تر به انزوای ژئوپلیتیکی ۷ منجر می‌شود (Caruso and Marco, 2013: 9).

جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های خارجی خود و در برهه‌ای خاص، با بازتولید رسوبات پیشین و میراث‌های تلخ گذشته، اقدام به در پیش گرفتن سیاست تعارضی و تقابلی با شماری از کانون‌های قدرت گرفته است. از حقانیت بیشینه‌ی این میراث‌های تلخ نمی‌توان به آسانی عبور کرد و انصاف در آن است که به چنین واقعیت‌های تاریخی انگشت تایید گذاشته شود. کشور ایران به دلیل مختصات جغرافیایی-ژئوپلیتیکی ویژه‌ی خود، همواره در کانون نگاه‌ها و نقشه‌های بازیگران قدرتمند جهان بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳). در برهه‌ای از تاریخ، این قدرت‌ها به سبب برجسته‌بودن بیش از حد سیاست استعماری خود، هیچ‌گاه در اندیشه‌ی یک بازی سیاسی برد-برد ۸ نبوده‌اند و همواره به تهی کردن کشورهای حاشیه‌ای مانند ایران و انباشت ثروت کشورهای خود که به عنوان کشورهای مرکزی بشمار می‌آیند، اقدام کرده‌اند. با تغییر رویکردها در جهان سیاسی امروز، آنچه مهم و کارگشاست، پاسداشت منافع ملی و گریز از تبدیل شدن میراث‌های تلخ گذشته به مثابه‌ی یک ایدئولوژی زجرآور است. تحقیق پیش‌روی، با پرداختن به میراث بازتولید رسوبات گذشته‌ی سیاسی در صحنه‌ی تصمیم‌گیری‌های کلان

1. National Interests Sphere
2. Commitment
3. Interaction
4. Tensional
5. Conflictive
6. Geopolitical Challenge
7. Geopolitical Isolation
8. Win-Win Political Game

ایران، به بازشناسی این مسئله خواهد پرداخت که به نظر می‌رسد اولویت و اهمیت منافع ملی، باید مانع از برجستگی و تصلب ایدئولوژی شود. از این روی، به نظر می‌رسد که سیاست خارجی میانه‌گرایی ۱ به مثابه-ی یک دستمایه و سرمایه برای بدست آوردن حد مطلوبی از منافع ملی در جهان امروز است.

۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از جنبه‌ی هدف و ماهیت جزء تحقیقات کاربردی است و از جنبه‌ی روشی، در زمره‌ی تحقیقات کیفی بشمار می‌رود. روش بکار رفته در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

۲. چارچوب نظری

روی هم رفته، می‌توان گفت که علت‌های ریشه‌ای رقابت میان کشورها و قدرت‌ها در عرصه‌ی جهانی از دو دیدگاه کلی قابل بررسی و صورت‌بندی است؛ نخستین علت، وجود پیشینه‌ی ایدئولوژیک در بروز رقابت میان قدرت‌های جهانی در سده‌ی بیستم میلادی و سده‌های پیش از آن بوده است. از این رهگذر، می‌توان ادعان داشت که با فرجام یافتن جنگ سرد، دوران مبنا قرار دادن سرشت رقابت‌های جهانی بر پایه‌ی ایدئولوژی چندان پذیرفتنی نیست (احمدی پور و لشکری، ۱۳۸۹: ۲). الگوی دیگر، الگوی عقلانی رقابت است که سرشت رقابت در میان قدرت‌ها را بر پایه‌ی منافع ملموس همچون دسترسی به منابع طبیعی، انرژی و موقعیت ژئواستراتژیک است (عابدی، ۱۳۸۷: ۳۲). گفتنی است که وارد کردن عقلانیت در رقابت میان کشورها به معنای نادیده گرفتن وجوه معناگرایانه و مرکزیت بخشیدن به جلوه‌های ماتریالیستی نیست؛ بلکه در نگاه عقلانی امتزاج هر دو جنبه‌ی مادی- معنوی مد نظر قرار می‌گیرد. از این روی، عقلانیت در رقابت به معنای سنجش هزینه- سود و مبنا قرار گرفتن ژئولیتیک است که شناخت دقیق از شرایط ژئوپلیتیکی کشور، ضروری و الزام‌آور است (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۳۱؛ واعظی، ۱۳۸۶: ۲۶). بنابراین، از این نظرگاه «مقصود از ژئولیتیک مطالعه و بازشناسی اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری سیاسی صاحبان قدرت و سیاست‌مداران کشورها است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰).

چنین نگرشی سبب موازنه‌ی قوا و پیشگیری از زورگویی و تجاوز رقیبان به حق و حقوق یکدیگر می‌شود. این موازنه‌ی قوا در چهارچوب مباحث استراتژیک در سطح منطقه‌ای و ژئواستراتژیک در سطح جهانی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۲).



۲-۱ چالش ژئوپلیتیکی

«عبارت است از وضعیت یک دولت یا کشور بر پایه‌ی عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متاثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی. به عبارت دیگر، منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب» (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۱). کشورها و دولت‌ها برای ضربه زدن به رقیب خود یا محدود سازی قدرت مانور و عمل آن از ابزارها و روش‌های گوناگونی بهره می‌برند. یکی از ابزارها و روش‌ها، کاربرد جغرافیا و ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی علیه دیگران است. ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی اعم از متغیر و ثابت، طبیعی و انسانی، مکانی و فضایی دارای طیف گسترده‌ای می‌باشند که کاربرد یک یا تعدادی از آنها علیه کشور کشور رقیب یا حریف، می‌تواند مواضع سیاسی آنرا منفعل نماید و سبب تحمیل خواسته‌ها و نیات دیگر بازیگران بر آن کشور شود. هدف اصلی هر چالش ژئوپلیتیکی، ایجاد انفعال در طرف مقابل به منظور تغییر رفتار آن باشد.

چالش ژئوپلیتیکی زمانی که در صحنه‌ی رقابت‌های فراملی پدیدار گردد، می‌تواند ظرفیت‌ها و مزیت‌های جغرافیایی یک کشور را به زیان آن کشور منتهی گرداند. به سخن دیگر، آنچه پیش از این برای یک کشور مزیت به شمار می‌آمد و از رهگذر آن منافع زیادی کسب کرده بود، اینک به مثابه‌ی یک اهرم فشار علیه آن کشور بکار گرفته می‌شود. برای نمونه می‌توان به ذخایر ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در کشورهای خاورمیانه که اغلب بر اقتصاد تک محصولی فروش نفت متکی هستند، اشاره کرد. تحریم نفتی این کشورها، چالش ژئوپلیتیکی عمیقی در این کشورها پدید می‌آورد و آنچه که پیش از این به عنوان یک منبع درآمد هنگفت در اختیار ساخت و آبادانی قرار می‌گرفت، اینک عملاً از ید قدرت آنان خارج می‌شود. در چنین وضعیتی، به سبب نبود زیرساخت‌های دیگر برای رشد شتابان اقتصاد چند محصولی و وابستگی شدید دیگر ساختارها به پول نفت، پویایی و تحرک سیاسی-اقتصادی کاسته می‌شود و به عبارتی رساتر، «هم قدرت سخت و هم قدرت نرم یک کشور را در معرض آسیب می‌گذارد» (Allen and Steele, 2010: 1). شایان ذکر است که چالش ژئوپلیتیکی تنها در تحریم روی نمی‌دهد، بلکه در پیش گرفتن سیاست‌های غیر تعاملی و تنش‌زا در صحنه‌ی جهان سیاسی نیز از عوامل موثر در به چالش کشیده شدن عناصر و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی یک کشور است که در آن سیاست همگرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به فراموشی سپرده می‌شود (Goff, 2014: 13). بنابراین، آنچه در چالش ژئوپلیتیکی از تحریم شدن یک کشور نیز مهمتر است، وجود سیاست خارجی تعارضی و تندروانه و عدم تمایل به همگرایی و تعامل در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

۲-۲ انزوای ژئوپلیتیکی

انزوای ژئوپلیتیکی تفاوت چندانی با انزوای سیاسی ندارد. بدین معنی که در هم در ازوای سیاسی و هم در انزوای ژئوپلیتیکی، به کاهش مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی و... یک واحد سیاسی - فضایی (اعم از کشور مستقل یا خودمختاری‌ها) با محیط پیرامونی اشاره می‌شود (Amirah-

13: Fernández, 2013). تفاوت انزوای ژئوپلیتیکی با انزوای جغرافیایی در این است که برخلاف انزوای جغرافیایی که محصول طبیعی موقعیت جغرافیایی است، انزوای ژئوپلیتیکی محصول موقعیت ژئوپلیتیکی است که علاوه بر ارزش‌های جغرافیایی، موقعیت کشورها در بستر ساختار سیاست جهانی و تقسیم‌بندی‌های سیاسی جهان را به نمایش می‌گذارد. (در موقعیت انزوای جغرافیایی شاید مناسبات کاملاً دوستانه بین کشورها برقرار باشد، اما در موقعیت انزوای ژئوپلیتیکی کشورها تحت فشارهای محیط پیرامونی یا بین‌المللی به لحاظ برقراری مناسبات مستقیم با جهان خارج رنج می‌برند. بر همین اساس، انزوای ژئوپلیتیکی موجودیت سیستم سیاسی، ثبات سیاسی، آرامش اجتماعی، امنیت ملی و بالاخره بقای هر کشوری را تهدید می‌کند و در مقابل برقراری تعاملات گسترده با سایر کشورها یا سازمان‌های فراکشوری، علاوه بر تقویت منزلت هر کشوری در سیستم جهانی و منطقه‌ای، ضامن امنیت و بقای ملی، ثبات و انسجام سیاسی آن کشور است (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

۲-۳ ژئوپلیتک نظام جهانی؛

با در نظر گرفتن جهان به مثابه‌ی عرصه‌ی ژئوپلیتیکی و به‌عنوان نظامی عام، مدلی برای تحلیل روابط میان ساختارهای سیاسی و محیط‌های جغرافیایی آن فراهم می‌آید. این تعاملات، نیروهای ژئوپلیتیکی را پدید می‌آورند که نظام ژئوپلیتیکی را شکل داده، واژگون کرده و سپس آن را به سمت سطح تازه‌ای از موازنه‌ی قدرت هدایت می‌کنند. قدرت‌های بزرگ جهانی در راستای کسب یا حفظ جایگاه برتری خود، بازی‌های ژئوپلیتیک را در قالب دوستی یا دشمنی دنبال می‌کنند و از برآیند آن در گوشه و کنار جهان ستیزها، کشمکش‌ها، جنگ‌های خونین و یا صلح، همگرایی، دوستی، همکاری و... سر بر می‌آورد. بخش دیگری از کشمکش‌های ژئوپلیتیک در سطح کوچکتر و در قالب مناطق انجام می‌شود. در این سطح نیز قدرت‌های جهانی می‌توانند نقش آفرین باشند، اما در قیاس با سطح جهانی، قطعاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های منطقه‌ای نقش زیادی خواهند داشت. قالب‌های پیش‌گفته دوستی و دشمنی و پیامدهای آن در سطح منطقه‌ای هم می‌تواند توسط قدرت‌های منطقه‌ای طرح و پیگیری شود. در سطح ملی نیز پویای‌های ژئوپلیتیک می‌تواند دنبال شود. سطح ملی رفتار درونی کشورهای یک منطقه در سیاست داخلی کشور را نشان می‌دهد. بخشی از ژئوپلیتیک منطقه‌ای معمولاً به «بازی‌های همزمان» ملی و جهانی اختصاص دارد.

از این روی، ژئوپلیتیک منطقه‌ای اشاره به بخشی از کنش‌های ژئوپلیتیک دارد که در سطح یک منطقه ژئوپلیتیک صورت می‌گیرد. ژئوپلیتیک منطقه‌ای در بر دارنده بازیگران مختلف و رفتارهای پیچیده‌ای است که بازی‌های متعددی به‌طور همزمان در سطوح مختلف آن انجام می‌گیرد. بیشتر مواقع «بازی» منطقه‌ای به صورت همزمان در هر سه سطح انجام می‌گیرد، به طوری که تحلیل یک موضوع در یک سطح امکان‌پذیر نیست و مرزهایی که این سه سطح را از یکدیگر متمایز کنند، نامشخص اما وابسته به یکدیگر هستند. اغلب، رهبران در حالی که مشغول بازی در یک سطح هستند، به دنبال تأثیر بر نتیجه بازی (هایی) هستند که در سطوح دیگر انجام می‌گیرد. کشورهای منطقه‌ای از هر بازی اهداف جهانی،

منطقه ای و ملی متفاوتی دارند. رابطه میان این سه سطح کنش نیز بسیار نزدیک است و تغییر در یک سطح موجب ایجاد اثرات برنامه ریزی نشده و پیاپی در سطوح دیگر می‌شود. تغییرات ایجاد شده در اثر خروج قدرت‌های بزرگ، در توزیع قدرت در منطقه، فرصت‌ها و محدودیت‌های تازه ای را برای کشورها ایجاد می‌کند (Kupchan, 1998: 79). (مثل فروپاشی عراق و ایجاد فرصت برای ایران به عنوان قدرت مسلط و ناتوانی عراق در عملکرد به عنوان یک وزنه تعادلی).

پس، کنش‌های ژئوپلیتیک برخاسته از قدرت واحدهای سیاسی و به دنبال کسب قدرت برای آنهاست. قدرت؛ جوهره اصلی و روح جاری در اندام واره روابط بین الملل است که هم ابزار است و هم هدف که یکی آن را در همگرایی جستجو می‌کند و دیگری آن را در کسب قدرت نظامی پی می‌جوید. قدرت روح جاری در اندام واره نظام بین الملل است که نه تنها به منزله نیروی متحرک شبیه جریان برق در یک مدار الکتریکی است و نه تنها به عنوان ویژگی مشخصه روابط انسانی می‌باشد بلکه هسته اصلی تشکیل دهنده نظام بین الملل و نظامی مشخص می‌باشد (مطهر نیا، ۱۳۷۸: ۸۰-۲۷۹). بنابراین قدرت در هر سطح و اندازه ای باشد و از هر سرچشمه ای که برآمده باشد، ناگزیر از سوی بازیگران عرصه‌ی ژئوپلیتیک به کار گرفته می‌شود و مقیاس‌های مختلف محلی، ملی، منطقه ای و جهانی از آن متأثر است. اگر با دقت کنش‌های ژئوپلیتیک جهان در طول تاریخ بررسی شود، بی‌گمان نقش آفرینی قدرت در تمام این کنش‌ها قابل ردیابی است. گاه قدرت ابزار برتری و سلطه بوده است و گاه دستیابی به آن هدف بازیگران مختلف بوده است. اما همواره یکی از ابعاد تفکیک ناپذیر ژئوپلیتیک بوده است. این کنش‌ها در سطح منطقه‌ای هم دنبال می‌شود و کشورها رقابت‌ها، همکاری‌ها و سایر رفتارهای ژئوپلیتیک خود را با استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از ابعاد مختلف قدرت خود دنبال می‌کنند.

۳. بحث اصلی

۳-۱ سیاست خارجی ایران؛ چالش‌ها و تنگناها

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سه دهه‌ی گذشته شاهد تحولات و روندهای گوناگونی بوده است. به گونه‌ای که حتی در چارچوب مبانی و اصول بنیادین و ثابت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی رفتارهای متفاوتی بروز داده است. از طرف دیگر، علی‌رغم تغییر و تحولات در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برخی رفتارهای ایران استمرار داشته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۴۱). مهمترین علت رفتارهای سیاست خارجی ایران در منازعات پایدار، جستجو و تأمین امنیت هستی‌شناختی است. بدین معنی که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی بیشتر نگران حفظ هویت خود به عنوان یک دولت اسلامی است و تأمین امنیت هستی‌شناختی به معنای حفظ و تداوم هویت اسلامی را اولویت و ارجحیت می‌بخشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۶۶). از منظری دیگر، کالبدشکافی چالش‌های سیاست خارجی ایران از منظر ژئوپلیتیک بیانگر آن است که این چالش‌ها یا ناشی از عوامل درون‌زا و ضعف نظری و مفهومی بوده است و یا از مشکلات ساختاری و عملکردی در داخل کشور سرچشمه دوانیده است. همچنین عوامل برون‌دادی همچون تقابل‌های نظری، حرکت‌های منفی تبلیغی و تهدیدات عملی خارجی

نیز موثر بوده است. بنابراین، می‌توان علت وجودی چنین چالش‌هایی را در ارتباط متقابل سیاست داخلی با سیاست خارجی و نیز متاثر بودن اهداف، خط‌مشی‌ها و ابزارهای سیاست خارجی و داخلی از یکدیگر پی‌گرفت (دهشیری، ۱۳۸۰: ۵۵).

۳-۱-۱ چالش‌های درون‌دای؛

اشاره به چالش‌هایی است که خاستگاه آن درونی و برآمده از ساخت‌ها و کارکردهای درونی یک سیستم است. این چالش‌ها را می‌توان به دسته‌ی نظری، گفتمانی، رویکردی و ساختاری- عملکردی تقسیم کرد؛

الف) چالش‌های نظری؛

چالش‌های نظری درون‌دای بیانگر نبود شفافیت و صراحت در نوع رویکرد ژئولیتیکی ایران با سایر کشورها است. به سخن دیگر، این ابهام و کژتابی وجود دارد که تعامل یا تقابل با دیگر کشورها بر کدام یک از روش‌های مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز استوار است. کدام گفتمان (بسط محور، حفظ محور یا رشد محور) بر سیاست خارجی ما حاکم است؟ آیا از شرایط ویژه‌ی ژئولیتیکی در راستای سوی‌دهی به سیاست خارجی استفاده می‌کنیم؟

ب) چالش گفتمانی؛

این نوع چالش بر نشانگان زبان‌شناختی و معرفت‌شناختی، سیاست‌های اعلامی و اعمالی و الگوها و سازوکارهای نظریه‌ای سیاست خارجی اشاره دارد. واکاوی نحله‌های فکری، رویکردهای نظری و بن‌مایه‌های نگرشی دست‌اندرکاران سیاست خارجی، نشان از ناهمگنی و فقدان صورت‌بندی‌های تحلیلی در گفتمان روابط خارجی است. این امر ناشی از تلفیقی بودن گفتمان سیاست خارجی است که ریشه‌ی آنرا باید در نبود راهبرد مشخص در دستگاه تصمیم‌گیری، فقدان ابرسیستم همگانی، ناهمگنی اهداف و ابزار، سرگشتگی میان ناسیونالیسم ایرانی و انترنایسونالیسم اسلامی و تردید میان درون‌گرایی و برون‌گرایی جست و جو کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۶).

در این میان، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در واقع ترجمان و تبلور احساسات ملی و تلاش پیوسته‌ای است که از قرن نوزدهم برای رهایی از سلطه خارجی در جریان بوده است. اقداماتی همچون کوشش برای یافتن یک نیروی سوم در عصر ناصری، تلاش برای استقلال در عصر مشروطه و تلاش برای ایجاد یک موازنه منفی در دوره نهضت ملی شدن نفت، از جمله تلاش‌هایی است که برای رهایی از سلطه خارجی انجام شده است. با این حال در انقلاب اسلامی، سیاست غرب‌گرایی و اتحاد با امریکا جای خود را به شعار نه‌شرقی و نه‌غربی داد. مردم ایران که فقط قدرت انقلابی خود را می‌دید دیگر نیازی به محافظه‌کاری نداشت و در نتیجه از موضع دفاع پیشینیان خود خارج و حالت تهاجمی گرفت. در اینجا بود که نوع دیگری از سیاست بی‌طرفی به ظهور رسید و درعین حال با نوعی سیاست جانبدارانه از سوی سایر ملت‌های مسلمان همراه شد که در راستای پیروی از سیاست وحدت جهان اسلام بود. رفته رفته، اما ابهام و سرگشتگی در سیاست خارجی با سه رویکرد کلاسیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم نمود یافت. از سویی با رویکردی کلاسیک و سنتی مواجهیم که بر ایدئولوژیک بودن نظام، ثبات ارزش‌ها، فزونسازی سنت‌های

ایرانی و نیز میراث غنی و سرشار اسلامی در پهنه‌ی گیتی تاکید می‌ورزد؛ از دیگر سوی، بر مکتب فرانکورت و اشاعه‌ی نقد در چارچوب مدرنیسم و گفتگوهای انقادی تاکید می‌شود و با نفی تقدیرگرایی تاریخی-سیاسی، نقادی مدرنتیه را با عقل ابزرای در هم می‌آمیزد. از جهتی دیگر، بر رهیافت پسامدرن تساهل و تسامح، گریز از دگماتیسم نظری و عملی، چندگانگی نگرش‌ها، پذیرش قرائت‌های گوناگون از ساخت‌های ارزشی، نگاه فرهنگی و تکثرگرایی و گفتگو به جای مواجهه رویارو هستیم.

ج) چالش رویکردی؛

چالش میان آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی و عمل‌گرایی از جمله رویکردهای غالب سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌دهند که برآمده از دلایل زیر است؛

- نوسان میان هدف آرمانی و منافع ملی و ابهام در حوزه‌ی مسئولیت‌ها
- وجود حوزه‌های میانی به صورت خرده گفتمان در درون گفتمان مسلط و غالب
- نامشخص بودن ارجحیت میان دولت محوری، ملت محوری و امت محوری
- تردید در تکلیف‌گرایی و یا نتیجه‌گرایی بدلیل فقدان گفتمان مشخص در سیاست خارجی (دهشیری، ۱۳۸۰: ۵۹).

د) چالش ساختاری - عملکردی؛

مبنای چالش ساختاری را می‌توان نامشخص بودن حیطه‌ی وظایف و مسئولیت‌ها، ابهام در نهادهای تصمیم‌گیرنده و فرایند تصمیم‌گیری و نیز ساختار منفعل بوروکراسی سیاست خارجی دانست. از جمله گزاره‌های مصداقی چالش ساختاری در سیاست خارجی ایران از قرار زیر است (دهشیری، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۰)؛

- نبود تعریف مشخص از منافع ملی؛ به دلیل مشخص نبودن حدود و ثغور منافع ملی و ابهام در ماهیت دولت-ملت و حوزه‌ی اختیارات در مسئولیت‌های ملی و فراملی و عدم اجماع میان نخبگان سیاسی و فکری، منافع ملی هنوز تعریف نظام‌مندی نیافته است.

- تاثیرپذیری سیاست خارجی از سیاست داخلی؛ در ایران سیاست خارجی یک رویه‌ی یکدست و هماهنگ نیست و با تغییر حتی جزئی مسئولان و دست‌اندرکاران، نوع سیاست خارجی نیز زیر و رو می‌شود.

- استیلای سیاست بر حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و اجتماع؛ استیلا و تسلط سیاست بر سایر حوزه‌ها در ایران باعث شده است تا به مسائل دیپلماتیک، صرفاً از زوایه‌ی سیاسی نگریسته شود و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست خارجی مورد غفلت قرار گیرد یا کم‌اهمیت جلوه داده شود.

- نبود استراتژی مدون و مکتوب در سیاست خارجی؛ به جز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به عنوان مهمترین ملاک و معیار در سیاست خارجی برشمرده می‌شود، یک سیاست خارجی مکتوب و مدون فراروی پژوهشگران سیاست خارجی قرار ندارد.

۳-۱-۲ مصادیق چالش‌های درون‌دادی؛

چالش‌های درون‌دادی در سیاست خارجی ایران را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد (دهقانی، فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۹؛ دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۳)؛

- افراط و تفریط؛ به دلیل حاکمیت نگاه دوآلیستی بر فرهنگ ایرانی، نگاه سفید و سیاه در عرصه‌ی سیاسی بیش از نگرش خاکستری حکم‌فرما است. از این روی، دیدگاه احساسی و فقدان عقلانیت مستمر در سیاست خارجی ایران حاکمیت دارد.

- تصمیم‌گیری مقطعی و واکنشی؛ قاعده‌ی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به جای عقلانیت پویا بر عقلانیت بسته استوار است؛ بگونه‌ای که سیاست خارجی جمهوری اسلامی گاه میان دو گزینه محصور بوده و حتی در برخی مواقع ناگزیر به برگزیدن یک گزینه بوده است. بنابراین، اتخاذ سریع تصمیمات مانع از سنجش و تجزیه و تحلیل کافی و لازم می‌گردد.

- مختصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منحصر به فرد؛ ایران از روزگاران بس کهن، چهارراه تمدن‌ها محسوب شده و از نظر موقعیت دریایی و زمینی از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار بوده است. ارزش ژئوپلیتیکی ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می‌توانسته است موازنه منطقه‌یی و جهانی را برهم زند. در دوران قبل از سال ۱۹۱۷ میلادی یا دوره حاکمیت تقریباً بلامنازع بریتانیا بر خلیج فارس و تنگه هرمز، رقابتی بین آن کشور و دولت‌های روسیه، آلمان و فرانسه وجود داشت. پس از آن دوره و جایگزینی دولت جوان و پر قدرت امریکا در منطقه، تلاش برای حفظ نفوذ و کنترل بیگانگان بر خلیج فارس و منطقه ادامه یافت. برخی از مختصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران از قرار زیر است (اطاعت، ۱۳۷۶: ۱۳؛ رشنو، ۱۳۹۲: ۶۹)؛

الف) حجم زیاد ذخایر نفتی و گازی شناخته شده در این منطقه

ب) ثروت ناشی از صادرات نفت و گاز در کشورهای منطقه خلیج فارس و بازار مناسب صادرات کالاهای جهانی

ج) موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و قرار داشتن آن در مرکز یا محل تلاقی و پیوند بخش شرقی و غربی، شمالی و جنوبی ریملند

- سیاست‌های قهرآمیز ایالات متحده‌ی آمریکا؛ ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل و کوشش‌های آمریکا برای اعمال سلطه بر جهان، سبب شده است تا نوعی سیاست مداخله‌جویانه در این کشور پدید آید و با تحریم‌های اقتصادی، ایران را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در تنگنا قرار دهد.

۳-۲ گفت‌وگو میان به مثابه‌ی یک روش اجرایی

سامانه‌ی جهانی ژئوپلیتیک در حال حاضر، سامانه‌ای بشدت رقابتی و بر پایه‌ی نفوذ بنیان نهاده شده است که در آن شناخت موشکافانه‌ی موقعیت‌های جغرافیایی در راستای کسب هژمونی اهمیت بسزا دارد.

از این روی و با آنچه درباره‌ی چالش‌ها و تنگناهای سیاست خارجی ایران گفته شد، به نظر می‌رسد که ترکیبی از شرایط و مختصات تاریخی، جغرافیایی، ژئوپلیتیک و نیز بن‌مایه‌های ایدئولوژیک در ایران، ۱۴۵

ضرورت پرداخت به یک گفتمان خردورزانه و عقلایی با هدف نگهداشت و تقویت ساختارها و ارزش‌های ایرانی-اسلامی را گریزناپذیر کرده است. این گفتمان که باید به نوعی خط مشی و رویکرد عملی نیز تزریق شود، باید در اندیشه‌ی استعلای محتوایی (ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب) و نیز کالبدی (پیشرفت تکنولوژیک و اقتصادی در ابعاد گوناگون) درآید. از این رهگذر، «میانه‌گرایی» باید به یک اندیشه‌ی غالب تبدیل شود و پس از آن در رویکردها و کارکردها اثر بگذارد. «چرا که میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است همچنان که در روایات آمده است؛ الْجَاهِلُ أَمَّا مُفْرَطٌ أَوْ مُقَرَّبٌ. در واقع، متکی بودن به مبانی دینی، اخلاق مداری، حرکت در چارچوب قانون، پاسخگویی به جامعه، مدیران و متخصصان، عقل‌گرایی و تخصص‌گرایی، نخبه‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی، پرهیز از فرهنگ حذف (فرهنگ خودی و غیرخودی)، آزادی‌های اجتماعی، دوری از افراط و رادیکالیزم در سیاست داخلی و خارجی، تاکید بر منافع ملی، دیپلماسی فعال و پرهیز از دشمن‌تراشی چهارده ویژگی گفتمان میانه‌گرایی است» (حقیقت، ۱۳۹۲: ۶). با توجه به آنچه درباره‌ی چالش‌های سیاست خارجی ایران و نیز مختصات منحصر به فرد ایران در جغرافیای جهانی برشمردیم، می‌توان گفت که لزوم بکارگیری یک روش میانه که مبتنی بر ویژگی‌های زیر باشد، بیش از هر چیز دیگری احساس می‌شود؛

۱. ارجحیت بخشیدن به منافع ملی و پاسداشت ارزش‌های اسلامی
۲. بکارگیری عقلانیت پویا، زنده و کنشگر در عرصه‌ی بین‌الملل
۳. شناخت دقیق شرایط و مزیت‌های جغرافیایی ایران
۴. بکارگیری توانمندی‌های ژئوپلیتیکی ایران در راستای افزایش وزنه‌ی سیاسی در صحنه‌ی بازی‌های سیاسی
۵. گردهم آوردن و مغتنم و محترم شمردن همه‌ی نگرش‌ها و قرائت‌ها در چارچوب منفعت ملی
۶. پرهیز از نگاه دوآلیستی و مرکزیت بخشیدن بیش از حد بر یک نگاه
۷. تدوین چارچوب کلی و رویه‌ی مشخص برای سیاست خارجی بر پایه‌ی منافع ملی
۸. ارائه‌ی یک سند مکتوب و مستدل و بکارگیری آن در جهت ثبات بخشی به نگرش‌های سیاست خارجی از رهگذر قانون و پشتیبانی جمعی
۹. توجه همزمان به همه‌ی ابعاد زیست اجتماعی و کاربست آن در سیاست خارجی (اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و دین)
۱۰. تفکیک ساختار و کارکرد در حوزه‌های تصمیم‌گیری
۱۱. تهیه و تدوین ادبیات گفتمانی میانه برای همسو و یک‌راستا کردن همه‌ی سلیقه‌ها به مثابه‌ی یک زنجیر که حلقه‌های آن بر اساس مرکزیت توأمان منافع ملی و ارزش‌های اسلامی بهم پیوند می‌خورد
۱۲. دخیل نکردن سیاست‌های خرد داخلی در سیاست‌های کلان خارجی
۱۳. اهمیت دادن به نقش و جایگاه افراد و گریز از فردمحوری و اعتبارمحوری برای فرد
۱۴. پرهیز از روش‌های احساسی و ایدئولوژیک خطر آفرین و غیرمتعارف

۱۵. گریز از میراثی کردن اندیشه‌ی سیاست خارجی و دخالت دادن دانشگاهیان، دانشجویان و نخبگان در روند برساخت سیاست خارجی
۱۶. تعریف دقیق، جامع و قانون‌مند شده‌ی «منافع ملی»
۱۷. پیشگیری از گسست معرفت‌شناختی میان گفتمان سنتی، مدرن و پسامدرن و تجمیع همه‌ی آنها در راستای منافع ملی
۱۸. هماهنگی و همخوانی حداکثری میان سیاست‌های اعلامی و اظهاری
۱۹. پرهیز از نگاه امنیتی به سیاست خارجی
۲۰. مرکزیت نبخشیدن به قدرت سخت‌افزاری و کوشش برای اتکاء به قدرت هوشمند

نتیجه‌گیری

کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در یک مختصات و موقعیت سیاسی- جغرافیایی جهانی، دارای مزیت‌ها و معایب چندگانه‌ای است. مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران (از قبیل موقعیت استراتژیک، خلیج فارس، دریای خزر، وجود نفت، فرهنگ غنی و بارور، تمدن پرسابقه، منابع زیرزمینی و روزمینی فراوان، نیروی کار جوان و...) آنچنان با اهمیت و سزاینده است که با تکیه بر آن می‌توان منافع و سودهای بسیاری را برای کشور به ارمغان آورد. این مزیت ژئوپلیتیک، اما به مانند شمشیری دولبه است؛ بدین معنی که در شرایط چالشی همان عناصری که روزگاری مزیت و منفعت بشمار می‌آمدند، اینک به مثابه‌ی «چشم اسفندبار» و «اهرم فشار» علیه کشور درخواهند آمد. تجربه‌ی چنین امری را در تحریم‌هایی که در سالیان گذشته بر ایران وارد شد، همگان درک کردند. اصولاً چالش‌های ژئوپلیتیکی در وضعیت کنونی جامعه‌ی ایران، متأثر از سه سطح تحلیل یا برخورد می‌باشد. یکی ذهنیت و نگرش نخبگان به اوضاع اجتماعی ایران و دیگری ذهنیت و نگرش عموم مردم به ساختارهای قدرت و نهادهای اجتماعی و بالاخره سطح میانی که از آن به سرآمدان و فرهیختگان اجتماعی (نظیر؛ قشر جوان و نسل دوم و سوم انقلاب) تعبیر می‌شود که نسبت به دو سطح تحلیل (یعنی ساختار قدرت (نخبگان) و فرهنگ عمومی جامعه) دارای نگاه انتقادی هستند. نگرش هر یک از این سه سطح از تحلیل به نوبه خود، چالش‌ها، تهدیدات و در نهایت تنگناهای متفاوتی را به همراه خود می‌آورد. برای نمونه، دوآلیسم نخبگان در درگیری‌های سیاسی و جناحی در سطح اول، سیاست زدگی و گرایش‌ات شورشگراییانه در سطح دوم و گرایش‌ات پراگماتیستی و آرمان‌گرایانه که در نهایت به بحران‌های اجتماعی مانند فرار مغزها، جنبش‌های اجتماعی و... مبدل می‌شود. بکار گرفتن سیستم خارجی تقابلی با توجه به مختصات ژئوپلیتیکی ایران، افزایش انرژی و درجه‌ی میرایی واحدهای سیاسی- فضایی بر اثر کاهش روابط سیستمی با سایر عناصر سیستمی در جهان را در پی خواهد داشت. چنین فضایی، بویژه در کشور ایران، به انزوا و هدر رفت منابع اجتماعی- انسانی آن به سبب نبود

زیرساخت‌ها منجر خواهد شد. گریزناپذیر بودن تعامل در دنیای امروز، امری است که بر همگان مشهود شده است و با توجه به جایگاه، مختصات، موقعیت و وضعیت ایران، بایسته است که با تدوین و قاعده-مندسازی یک گفتمان مسلط میانه‌رو و میانه‌گرایانه، با شناخت دقیق «منافع ملی» و ظرفیت‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی)، در راستای بهره‌گیری از موقعیت خاص ایران در جهان برای فراهم کردن «زندگی بهتر» برای مردمان «متمدن و متدین» ایران اقدام کند.

منابع

- احمدی پور، زهرا و لشکری، احسان (۱۳۸۹). چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر، فصلنامه‌ی مطالعات اورآسیای مرکزی. (۶) ۳، صص ۱۸-۱.
- اطاعت، جواد. (۱۳۷۶). ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: انتشارات سفیر.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پایلی، چاپ دوم.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۲) «گفتمان میانه و نواندیشی دینی»، منتشر شده در وبسایت موسسه‌ی دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰). چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشریه‌ی اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، (۱۰) ۱، صص ۷۴-۵۵.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰) «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی، در وبسایت: <http://www.isrjournals.ir/fa/nuclear-issues-farsi/69-article6.html>
- رشنو، نبی‌الله. (۱۳۹۲). نگاهی به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید ژئوپلیتیک (تحلیلی بر ژئوپلیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران)، تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن.
- زیاری، کرامت‌الله، عشق‌آبادی، فرشید و حمید فتحی (۱۳۸۹). چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه‌ی نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، (۱) ۶، صص ۲۰۷-۱۸۱.
- عابدی، مهدی (۱۳۸۷). اروآسیا و بازتولید عقلانی جنگ سرد، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی اقتصادی. (۲۵۷-۲۵۸) ۱۳، صص ۴۳-۳۰.
- کاظمی، س. ع. (۱۳۷۹). هفت ستون سیاست، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مجته‌زاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مجته‌زاده، پیروز. (۱۳۹۱). فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
- مطهر نیا، مهدی (۱۳۷۸). تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- Allen, J. and Steele, C. (2010). **Addressing Geopolitical Challenges, the Smart Power Approach**, Government Business Council, Booz, Allen, Hamilton.
- Amirah-Fernández, H. (2013). **Libya and the problematic Political Isolation Law**, Elcano Royal Institute, 20/6/2013, URL:

- http://www.realinstitutoelcano.org/wps/portal/rielcano_eng/Content?WCM_GLOBAL_CONTEXT=/elcano/elcano_in/zonas_in/ari20-2013-amirah-fernandez-libia-ley-aislamiento-politico.
- Caruso, R. and Di Domizio, M. (2013): **International hostility and aggressiveness on the soccer pitch Evidence from European Championships and World Cups for the period 2000-2012**, *Munich Personal RePEc Archive*, URL: http://mpa.ub.unimuenchen.de/50099/1/MPRA_paper_50099.pdf
- Goff, K. (2014): The shared geopolitical challenges of Germany and Japan, Republishing by The Manila Times of Geopolitical Diary, URL: <http://manilatimes.net/the-shared-geopolitical-challenges-of-germany-and-japan/72282/>
- Kupchan, C. (1998). **After Pax Americana: Benign Power, Regional Integration, and the Sources of a Stable Multi-polarity**, *International Security*, Vol. 23, pp. 46-78.
- Walker, S. G. (2013). **Binary Role Theory and the Uncertainty Problem In International Relations Theory**, School of Politics & Global Studies, Arizona State University Press.

Iran's Foreign Policy Challenges along with the Contemporary Evolutions in the Geopolitical Systems of the World

Afshin Mottaghi¹, Mosayeb GharehBeygi²

Received: 5 May 2014

Accepted: 1 March 2015

Iran's foreign policy in a particular moment has a reproduction of the earlier sediments and bitter past and attempts to adopt a discourse of opposition with power centers. Most of the bitter legacies of legitimacy and fairness cannot be easily passed through; it is a few historical facts to be verified. However, over-reliance on the earlier sediments that mistrust and institutionalized reciprocity does not an appropriate approach in all the time and cannot gain the country's national interests in the field of complex global policy network. On the other hand, a foreign policy that fade or hidden behind the values and ideas of the Islamic Revolution cannot be accepted. Present global geopolitical system is a system based on a highly competitive and is based intrusion coordinates and geographical locations where detailed knowledge in order to gain hegemony in the transnational level is very important. Lived experience and history of Iran has shown that this country can recognize the profound geopolitical position and coordinates its way back to its authority as a major power and can be avoid from geopolitical challenges and the consequences of its isolation. This paper with descriptive-analytical methodology. Reviews and examines the discourses of Iran's foreign policy and attempt to confirm the hypothesis that moderate discourse on foreign policy is one of the most profitable approaches for the country that has remarkable geopolitical weight in regional and global position.

Key words: *Iran's Foreign policy discourses, Geopolitical challenge, Geopolitical Isolation*

¹. Assistant Professor in Political Geography, Kharazmi University

². MA Student of in Political Geography, Kharazmi University

Projection of the Strategic planning of Iran rural tourism development

Ali Hajinejad¹, Aboozar Paidar², Fatemeh Bagheri³, Naser Abdi⁴

Received: 11 November 2014

Accepted: 16 February 2015

Today, tourism has become one of the most important economic sectors in many countries and governments have used various policies to develop tourism and its subsectors at different scales from local to national level. In the past decades especially since 1990s, experts and planners continuously have focused on the importance of rural tourism development due to the recession of agriculture sector and problems facing to the rural societies. In this regard, Iran With the plenty of attractions in rural areas can exploit from this great potential to improve itself economic situation. Therefore, this paper pays the general situation of rural tourism in Iran, and in particular with using of the quality and quantity steps (QSPM) in SWOT technique to determine the strengths, weaknesses, opportunities and threats for rural tourism development of Iran especially for Dlfard. The method used in this research is survey and field studies method (130 samples from the tourists and residents population). This research able to present the appropriate strategies for Dalfard tourism development and because many villages in Iran are similar Dalfard in view of natural, cultural, social and economic features, we can generalize its results to others. The results indicate that the strength points of this region are over the weaknesses, so we hope to develop tourism in this region by application of the proposed approach. Favorable macro strategy proposed by this research is competitive strategy (with a total score of internal and external factors: 36/2 and 51/2). Also the result of quantity matrix is the third sub-strategy (with a score of 55/7) that focus on combining of the active participation of government to strengthen the private sector and NGOs.

Key words: *tourism development strategy, Iran rural tourism, SWOT model, quantity Matrix(QSPM).*

¹ - Associate professor of Department of Geography, School of Geography and Environmental Planning, University of Sistan and Baluchestan

² - Ph.D. in Geography and Rural Development, Lecturer of Geography Department, School of Geography and Environmental Planning of Sistan and Baluchestan University

³ - Ph.D. Student in Tourism Management, University of Allameh Tabatabai

⁴ - M.A. Tourism Planning, University of Sistan and Baluchestan

**Impacts of Monetary and Fiscal Policies on Value Added of
Industrial Sector in Iran in Line with the General Policies of the
Industrial Sector**

Kiumars Shahbazi¹, and Elham Karimzadeh²

Received: 25 November 2014

Accepted: 1 March 2015

Increasing the share of industry in GDP and increasing the value added of industry are the important objectives of the general policies in the industrial sector. Fiscal and monetary policies are the major economic policies, and they play a significant role in economic growth and development. Given the importance of the industrial sector of the Iranian economy and the importance of adopting appropriate fiscal and monetary policies, this research investigates the impact of these policies on value added of industrial sector in Iran. To this end, we used the annual data over the period 1979-2010 and autoregressive distributed lag (ARDL) model. The results show that the impact of monetary and fiscal policies on value added of industrial sector is positive and statistically significant in the short-run. In the long-run, monetary policy has a negative and significant effect on value added of industrial sector. In contrast, the impact of tax revenues as an alternative variable of fiscal policy on value added of industry is positive and significant, which can indicate that the tax revenues have been influenced by the activities of the industry. Moreover, government expenditures has no significant effect on value added of industrial sector in the long-run, indicating that the government expenditures has not been complementary to the investments of industrial sector and had no significant effect on industry value added because of the existence of the crowding out effects and different forms of government expenditure financing.

JEL Classification: E52, E62, L60, C10

Keywords: *Monetary Policy, Fiscal Policy, Value Added, Industry, ARDL.*

¹. Associate Professor of Economics, Department of Economics, Urmia University, Urmia, Iran.

². M.A in Economics, Urmia University, Iran

The Symmetric and asymmetric effects of oil shocks on the agricultural and industry value added

Zahra Vahidi, Vahid Shaghaghi, Farhad Pahlevanzade

Received: 31 December 2014

Accepted: 25 February 2015

Oil is one of the most important sources of income for oil-exporting countries and the main raw material in the production process. Oil price shocks can cause instability in macroeconomic variables, such as value-added agriculture and industry in the Iran that is part of the Petroleum Exporting Countries. This research examines the effects of symmetric and asymmetric oil shocks on the value added agriculture as the part that is mostly governed by the private sector, and Value added of industry as the part that is mostly governed by the Government sector. In this regard, the first oil shocks by nonlinear GARCH model extracted then use the VECM to examine the effects of positive and negative shocks on the value added of the agriculture and industry sectors to be paid. The results shows that the effects of oil shocks on the agricultural and industry value added have an asymmetric effects and industry value added is more than agriculture value added effected by positive oil shocks.

Keywords: *oil shocks, symmetric effects, asymmetric effects, agriculture value added, industry value added*

Forecasting Needful Liquidity Automatic Teller Machines (ATM) With Linear Model (ARIMA) and Non Linear (Neural Networks)

Ebrahim Abbasi¹, Fatemeh Rastegarnia², Fahimeh Ebrahimi³

Received: 3 December 2014 **Accepted:** 8 March 2015

The aim of this study is forecasting needful liquidity automatic teller machines (ATM) with two linear model and non Linear. Providing financial resources at ATM machines, since it is important that is necessary to keep activity ATM to provide cash into applicant and security cash in machine. Results of Such analysis make it possible to can be necessary prediction for providing financial resources of ATM such as intelligent and maintain it active during peak demand hours. The statistical case of the research consisted of 7 ATMS of Economic Mehr Bank in Khorasan Razavi during the years 1386-1389. In this study, determining amount of cash taking from ATM using nonlinear method of artificial neural networks with multi-layer perception structure and error back propagation algorithm and linear method of ARIMA is examined to choose an optimal model. Demand of cash taking from date 1386/4 till 1389/7 (40 months) as training data and from the Aban data of 1389 till the end of Esfand 1389 is intended as Test data. The finding results indicate mastery artificial neural networks model to ARIMA model in predict needed cash of an ATM from economic Mehr bank.

Classification of JEL: *C53, E37, Q30*

Key words: *neural networks, ARIMA, predict, cash, ATM, economic, mehr bank*

¹.Associate professor, member of Faculty of Alzahra University,

².M.A. in Accounting, Teacher of Saeed Academy Institution

³.M.A. in Governmental-financial management, Islamic Azad university of Aliabad katol.

Crime Prevention Management in Iran

*Akbar Aliverdina*¹

Received: 6 August 2014

Accepted: 17 January 2015

Prevention of crime is one the basic strategies in social control area. Although global experience in different policy areas of social crimes management is provided, and several theorists in the field provide theories, but in Iran, yet the lack of a comprehensive policy in this area is felt more than ever. In the years after the Glorious Islamic Revolution domination of political economical and security in the field of social harms has been caused to horrible absences of macro-social perspective in detection, management and control of social crimes in the planning, implementation and judicial fields. The present paper is an attempt to take advantage of library and documentary study while reviewing the status of social crimes and the resulting problems in the country, weaknesses and vagueness of this research will also be examined. At the end of this attempt with Utilizing a comprehensive ecological model and theoretical approaches in the field of literature and the experience of similar programs in Iran and the World, appropriate strategies and programs to identify and manage social crimes are given.

Key words: *Social Crimes Prevention, Strategies, Plans, Policies, Ecological Model.*

¹. Associate Professor of Sociology, University of Mazandaran

Oil, 6th development plan, resistive economy

Davod Daneshjafari¹, Samane Karimi²

Received: 3 December 2014 **Accepted:** 8 March 2015

The objective of resistive economy overall policies is creating appropriate environment for Iran's economy movement on a sustainable growth path. Planning based resistive economy require to be dealt with Any disruptive factor for sustainable growth and plan strategies to be chosen so that minimize risks and uncertainties relevant to achieve to its goals. Survey about performance of Iran's economy show that moreover, low mean of performance key variables, Iran's economy has high volatilities. The base of low performance and its volatility return to two main factors, namely inappropriate economy policies and so impulses derived external sanctions. The common mode of the factors, namely inappropriate economy policies and impulses derive in how use of oil resources. Dependence on government revenue and so foreign exchange earnings to oil revenues and its crude sale is the main problem of Iran and until a solution isn't found for that, unsustainability in Iran's economy will continue. The purpose of this study was to find a long-term solution to reduce dependence on oil revenues in 6th development plan or use of resistive economy strategies. Regarding to world oil outlook, use of oil in sectors such as transportation, industry especially petrochemical, household/ commercial/ agriculture consumptions and power generation instead of crude oil sale, can be resolve the problem.

Key words: *6th Development plan, Resistive Economy, oil, crude sale, unsustainability.*

¹ - Assistant professor, Economic Department of Allame Tabatabaei university

² - M.A in management, Allame Tabatabaei university

Abstracts

Contents:

Oil, 6th Development Plan, Resistive economy <i>Davod Daneshjafari, Samane Karimi</i>	1
Crime Prevention Management in Iran <i>Akbar Aliverdinia</i>	2
Forecasting Needful Liquidity Automatic Teller Machines (ATM) With Linear Model (ARIMA) and Non Linear (Neural Networks) <i>Ebrahim Abbasi, Fatemeh Rastegarnia, Fahimeh Ebrahimi.M. Shahikitash, K. Mahmoudpour, H Mohseni</i>	3
The Symmetric and Asymmetric Effects of Oil Shocks on the Agricultural and Industry Value Added <i>Zahra Vahidi, Vahid Shaghaghi, Farhad Pahlevanzade</i>	4
Impacts of Monetary and Fiscal Policies on Value Added of Industrial Sector in Iran in Line with the General Policies of the Industrial Sector <i>Kiumars Shahbazi, Elham Karimzadeh</i>	5
Projection of the Strategic Planning of Iran Rural Tourism Development <i>Ali Hajinejad, Aboozar Paidar, Fatemeh Bagheri, Naser Abdi</i>	6
Iran's Foreign Policy Challenges along with the Contemporary Evolutions in the Geopolitical Systems of the World <i>Afshin Mottaghi, Mosayeb GharehBeygi</i>	7

Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies

Monitoring Commission of State Expediency Council

Vol.2, No.8, Winter 2015.

Publisher:	Monitoring Commission of State Expediency Council
Chairman of the Board:	Davood DaneshJafari
Editor in Chief:	Hossein Alaei
Vice-Chief Editor:	Mohammad Hossein Karim
Editorial Board:	
	Abbasi. E - Associate Professor of Management
	AbooeArdakani. M - Associate Professor of Management
	Afrakhteh. H - Professor of Geography
	Akbari.A - Professor of Agricultural Economics
	Alaei. H - Associate Professor of Management
	Dehshiri. M.R - Assistant Professor of Political Science
	Ezzati. M - Assistant Professor of Economics
	Farahanifard. S - Associate Professor of Economics
	HabibZadeh. M.J - Professor of Criminal Law and Criminology
	Karbasi. A.R - Associate Professor of Economics
	Karim. M.H - Associate Professor of Economics
	Mehregan. N - Associate Professor of Economics
	MemarZadeh. GH - Associate Professor of Management
	Pahlavani. M - Associate Professor of Economics
	Pajooyan. J - Professor of Economics
	Qoli Pour. A - Associate Professor of Management
Executive Manager:	Hossein Arabi
Internal Manager:	Mahmood Safdari Nahad
Informing and Website:	Masoud Amjadi Pour
English Editor:	Hossein Arabi
Designers:	Mahmoud Khastoo, Zohre Rezaei
Address:	Unit 2, No 10, North Naft St., Mirdamad Blvd., Tehran, Iran
Tel&Fax:	+98 21 22258906, 22258898
Email:	Journal.msp@Hotmail.com
Website:	www.jmsp.ir

In the name of God

8

Quarterly Journal of
The Macro and Strategic Policies

Vol.2, No.8, Winter 2015

*Monitoring Commission of
State Expediency Council*

Iran's Foreign Policy Challenges along with the Contemporary Evolutions in the Geopolitical Systems of the World

Afshin Mottaghi¹, Mosayeb GharehBeygi²

Received: 5 May 2014

Accepted: 1 March 2015

Iran's foreign policy in a particular moment has a reproduction of the earlier sediments and bitter past and attempts to adopt a discourse of opposition with power centers. Most of the bitter legacies of legitimacy and fairness cannot be easily passed through; it is a few historical facts to be verified. However, over-reliance on the earlier sediments that mistrust and institutionalized reciprocity does not an appropriate approach in all the time and cannot gain the country's national interests in the field of complex global policy network. On the other hand, a foreign policy that fade or hidden behind the values and ideas of the Islamic Revolution cannot be accepted. Present global geopolitical system is a system based on a highly competitive and is based intrusion coordinates and geographical locations where detailed knowledge in order to gain hegemony in the transnational level is very important. Lived experience and history of Iran has shown that this country can recognize the profound geopolitical position and coordinates its way back to its authority as a major power and can be avoid from geopolitical challenges and the consequences of its isolation. This paper with descriptive-analytical methodology. Reviews and examines the discourses of Iran's foreign policy and attempt to confirm the hypothesis that moderate discourse on foreign policy is one of the most profitable approaches for the country that has remarkable geopolitical weight in regional and global position.

Key words: *Iran's Foreign policy discourses, Geopolitical challenge, Geopolitical Isolation*

¹. Assistant Professor in Political Geography, Kharazmi University

². MA Student of in Political Geography, Kharazmi University